

گفتگو با نصرت‌الله اکبر از نوادگان مرحوم فتح‌الله خان اکبر

- با اظهار تشکر از قبول دعوت ما برای مصاحبه، خواهش می‌کنم خود را معرفی کنید:
 - اینجانب نصرت‌الله اکبر متولد سال ۱۲۹۴ شمسی هستم، حدود ۳۲ سال در وزارت کشور خدمت کردم، و مراحمی را از بخشداری تا فرمانداری کل طی کردم، منظور از خدمت، خدمت به مملکت در دوران سخت و ناراحتی و بودن قشون اجنبی در ایران و اشغال کشور از طرف متفقین است. روزگاری بود که انسان بایستی از خودگذشتگی می‌کرد، و برای حفظ استعمال ایران و دین تلاش می‌کرد.
- لطفاً از دوران کودکی خودتان مطالبی بفرمائید، آیا شما دوران سپهدار رشتی را درک کرده بودید و آیا از محمدولی خان سپهسالار خاطراتی دارید.
 - اینجانب هر دو مرحومین را دیده بودم، اینها مردمانی بودند، وطن دوست و علاقمند به حفظ استقلال مملکت، محمدولی خان مردی شجاع و متهور بود، ایشان چندین بار به نخست‌وزیری رسید و در آخر کار املاکشان از طرف رضاشاه به عنوان این کهبه دولت بدهکار است، و مالیات نداده - توقیف می‌شود. حتی فرزند ایشان را که علی‌اکبرخان صائب‌الدوله لقب داشت و در دوران احمدشاه آجولان بود، و همین سمت را هم در اوایل رضاشاه داشت، بدوسیۀ «جری لشکر» که میرآخور صائب‌الدوله بود، با زهری که در قهوه او می‌ریزد، می‌کشد. علت هم این بود که رضاشاه از او وحشت داشت. بعد از فوت صائب‌الدوله بود سپهسالاری گریه می‌کرد و می‌گفت: کمرم شکست. و ننه‌جان بنده که مادربزرگم می‌شد گریه می‌کرد و می‌گفت: «جری شد» جوان مرا بردی و نعش او را آوردی! قبر ایشان در امامزاده صالح است.
- بعد از این واقعه سپهسالار به علت فشار حکومت رضاشاهی و پیغامهای دکتر

میلیسیو که از او طلبکاری می‌کرد، وصیت نامه خود را به این شرح می‌نویسد:
من خدمت کرد و مشروطه را برپا ساختن، ترکن صحرا را امن کردم، و همه این کارها را با سرمایه خوم انجام دادم، من به دولت بدهکار نیستم، تا این که در شب تاسوعای سال ۱۳۰۲ با اسلحه کمی خودکشی می‌کند.

اهالی شمیران و زرگنده جنازه او را با تشریفات مذهبی در امامزاده صالح دفن می‌کنند، و دولت رضاشاهی هم، برای ظاهرسازی در مسجد شاه برای می‌گذارد، پدر من فرزند فتح‌الله خان اکبر، به نام علی، و مادرم دختر محمدولی خان تنکابنی سپهسالار تاج‌الملوک نام داشت که در حال حاضر در قید حیات‌اند و ۹۵ سال زندگانی کرده‌اند. تولد من مصادف با جنگ جهان یاول بود، بعد هم سالهای بحرانی که منجر به عقد قرارداد ۱۹۱۹ میلادی شد و سپس کودتای ۱۲۹۹ شمسی!

● اگر خاطرات از آن ایام دارید بفرمائید؟

□ فتح‌الله خان اکبر قبل از کودتا رئیس‌الوزراء بودند، و یکی از مخالفین قرارداد وثوق‌الدوله، شنیدم در مجلسی که از بزرگان کشور اعم از علما و تجار و سیاستمداران تشکیل شده بود، فتح‌الله خان می‌گوید: می‌خواهند ایران را تقسیم کنند، شمال را روسها ببرند و جنوب را انگلیسیها و یک حکومت مرکزی بماند، بعد گفته بود: ضد قراردادام، بنده بی‌اختیارم بنده!

● چرا در آن شرایط ایشان قبول مسئولیت کردند!

□ اطلاعات کافی ندارم، از قرار احمدشاه در آن شرایط بحرانی به ایشان تکلیف صدارت می‌کند، او هم قبول می‌کند و، زیر بار قرارداد نمی‌رود، به همین مناسبت هم قرارداد زمان ایشان بسته نمی‌شود!

● از کودتای سوم اسفند چه خاطراتی دارید.

□ از جمله کسانی را که کودتاچیان دستگیر کردند، یکی هم محمدولی خان سپهسالار بود، زندانیان را به محل حشرت‌آباد، نیمی زدان قصر فعلی بردند از رجال آن روز فقط مستوفی‌الممالک و مشیرالدوله را در خانه خودشان تحت نظر گرفته بودند! بعد از توفیق کودتا سید ضیاء رئیس‌الوزراء و رضاخان وزیر جنگ و فرمانده کل قوا، شایع بود که سیدضیاء یقین داشته رجال زندانی را اعلام کند ولی رضاخان مخالف این کار بوده است، که در نتیجه در اواخر اردیبهشت‌ماه زندانیان آزاد شدند، و فر رسید راهم

از یران تبعید کردند!

● آیا بین سیدضیاء و فتح‌الله‌خان اکبر ارتباطی وجود داشت؟

□ سیدضیاء به منزل ما رفت و آمد داشت، ولی من در سن و سالی نبودم که از گفتگوهای آنان مطیع باشم می‌گفتند: سیدضیاء همیشه حالت مرموزی داشته است!؟

● فتح‌الله‌خان اکبر با انگلیسها روابطی داشت؟ چون اسنادی وجود دارد که ایشان علاقمند به رابطه با انگلستان بود؟

□ بطر رقم رئیس‌الوزراء با سفارتخانه‌ها، به علت سمتی که داشت نمی‌توانست بدون ارتباط باشد! مکاتباتی هم بین سفارت و ایشان وجود دارد، کاردار سفارت انگلیسی در آن موقع (نورمن) بود، این مکاتبات بیشتر میان نورمن و ایشان بوده است. پدرم از این مطالب بیشتر آگاهی داشت تا من، چون در اوان طفولیت بودم!

● پدر بزرگ شما در چه سالی فوت می‌کند؟ آیا ایشان قل و از بعد کودتا در دولتها سمتی داشته؟

□ پدر بزرگ در سال ۱۳۱۶، در پنجم فروردین ماه فوت کرد و ۹۰ سال عمر داشت. بعد از کودتا ایشان دیگر سمتی نداشت و خانه‌نشین بود و ما قبل از کودتا در کابینه محمدولی‌خان وزیر داخله و وزیر پست و تلگراف بود.